

نقش عوامل اجتماعی و آموزشی در تضعیف انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه

فزادسراجی*، سیروس حدیدی** و علی‌عزیزی‌فزونین***

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی نقش عوامل اجتماعی و آموزشی در تضعیف انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه بود. در این پژوهش از مدل میلر و بریکمن به عنوان مبنای نظری استفاده شد. جامعه آماری آن شامل کلیه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر کرمانشاه به تعداد ۶۷۸۲ نفر در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از سه ناحیه آموزش و پرورش ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی محتوایی آن با نظرات اصلاحی و تأییدی ده نفر از صاحب‌نظران حوزه انگیزه تحصیلی و برنامه درسی به دست آمده است و پایایی آن نیز پس از اجرای آزمایشی در بین ۶۰ نفر از دانش‌آموزان، آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۷ محاسبه شد. برای تحلیل داده‌ها ابتدا از تحلیل عامل اکتشافی و سپس برای تعیین میزان برازش آن‌ها از تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در مجموع نه عامل شامل: خانواده و مسائل مرتبط با آن، نحوه توجه جامعه به علم و علم‌آموزی، بیکاری تحصیل‌کرده‌ها، کاربردی نبودن آموخته‌ها، ضعف معلمان، کیفیت پایین برنامه درسی، ساختار و مقررات مدارس، نحوه مدیریت مدارس و توسعه و دسترسی به فناوری‌های نوین ارتباطی به ترتیب اولویت و در کل ۴۵/۷۲ درصد از واریانس مربوط به عوامل غیر فردی کاهش انگیزه تحصیلی (برون و درون نظام آموزشی) دانش‌آموزان متوسطه پسر شهر کرمانشاه را تبیین می‌کنند. همچنین شاخص‌های برازش مانند CFI، IFI، NFI، AGFI، GFI، RMSEA و بسندگی عامل‌ها و خرده عامل‌های کشف شده را تأیید می‌کند. کلید واژه‌ها: بی‌انگیزه تحصیلی، عوامل اجتماعی، عوامل آموزشی، دانش‌آموزان متوسطه.

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران fseraji@gmail.com

** کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

*** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

مقدمه

نظام آموزش و پرورش هر کشور متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگ و ارزش‌های خود، اهداف و رسالت‌های متنوعی دارد و با تدارک امکانات و تخصیص منابع تلاش می‌کند، این اهداف را محقق کند. دانش‌آموزان در مسیر طرح‌ها، برنامه‌ها و اقدام‌های عملی گوناگون قرار می‌گیرند تا ضمن بروز استعدادها و بالقوه خود به تحقق این اهداف اجتماعی نیز کمک کنند. عوامل متعددی مانند معلمان متعهد، مدیران شایسته، امکانات و تجهیزات، برنامه درسی، محیط اجتماعی و دانش‌آموزان باانگیزه، خودتنظیم و مستقل در تحقق این سیاست‌ها نقش ایفاء می‌کنند. در کنار عوامل گوناگون و روابط پیچیده بین آنها، دانش‌آموزان می‌توانند با تلاش مستمر و با بهره‌گیری مؤثر از آن عوامل، امکان پرورش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را فراهم کنند (ونتزل و ویگفلد^۱، ۲۰۰۹؛ ویلیامز و ویلیامز^۲، ۲۰۱۱).

تلاش مداوم و مستمر دانش‌آموزان برای یادگیری و پرورش توانایی‌های بالقوه در گروه انگیزه تحصیلی آنهاست. انگیزه تحصیلی از سویی به عنوان یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش تلقی می‌شود. آموزش و پرورش تلاش می‌کند به شیوه‌ها و تدابیر گوناگون انگیزه یادگیری، کنجکاوی و علم‌جویی را در دانش‌آموزان زنده نگه دارد. از سوی دیگر انگیزه تحصیلی وسیله‌ای برای کمک به یادگیری دروس مختلف، امکانی برای یادگیری مادام‌العمر و کسب مهارت‌های مورد نیاز شغلی و عمومی است (گامبرل^۳، ۲۰۱۱). از این رو این موضوع همواره مورد توجه پژوهشگران تربیتی بوده و از زاویه‌های مختلف بررسی شده است.

انگیزه تحصیلی به مجموعه عوامل و تعاملات پیچیده بین آنها بستگی دارد. در نظریه‌های مختلف به عواملی همچون انتظارات و آرزوهای فرد، نیاز فرد به پیشرفت، هدف‌های یادگیری، خودکارآمدی و ارزش‌های مورد انتظار دانش‌آموزان و نقش آنها در انگیزش افراد تأکید شده است. در همین راستا یافته‌های پژوهشی نیز نقش و ارتباط انگیزه تحصیلی با متغیرهای مختلف مانند؛ ویژگی‌های شخصی دانش‌آموزان نظیر سن، جنسیت و مسئولیت‌پذیری؛ بافت کلاس درس همچون تکالیف آموزشی، نظام تنبیه و تشویق، شیوه‌های تدریس و رفتارهای

-
1. Wentzel & Wigfield
 2. Williams & Williams
 3. Gambrell

معلم؛ فرآیندهای خودتنظیمی دانش‌آموزان مانند تنظیم شناخت، کنترل عواطف و رفتارها، مهارت‌های فراشناختی و دستکاری زمینه‌های اجتماعی؛ فرآیندهای انگیزشی شامل باورهای کنترلی، ارزش‌ها، آمال، انتظارات و هیجانات افراد و نتایج نظیر گزینه‌های مختلف برای انتخاب، تلاش‌ها و اصرارهای مداوم را بررسی کرده‌اند (هارده، کراوسون، دی بیکر و وایت^۱، ۲۰۰۷؛ فن و والتر^۲، ۲۰۱۴؛ ابسکرا و داوسن^۳، ۲۰۱۵؛ عرفانی، ۱۳۹۶).

بندورا (۲۰۰۲) با تبیین انگیزه تحصیلی در بستر شناختی و فرهنگی - اجتماعی تلاش کرد علاوه بر ویژگی‌های فردی و آموزشی، به عوامل اجتماعی، بومی و موقعیتی در انگیزه تحصیلی تأکید کند. او انگیزش فرد را متأثر از باورهای خودکارآمدی، ادراک توانایی‌ها، باور به تلاش برای موفقیت، نحوه تعیین اهداف و چگونگی تحلیل و اجرای آن‌ها می‌داند. در کنار این عوامل تعاملات معلم با دانش‌آموزان، شیوه تدریس، کیفیت برنامه درسی، تکالیف آموزشی و شیوه‌های ارزشیابی در درون نظام آموزشی بر باورهای خودکارآمدی دانش‌آموزان، تصور از امکان تحقق اهداف، کیفیت تلاش و میزان اصرار بر فرآیند به نتیجه رسیدن آن‌ها تأثیر می‌گذارد و بدون تردید این عوامل تحت تأثیر مسائل وسیع و کلان اجتماعی نظیر ویژگی‌های فرهنگی، شرایط اجتماعی، اقتصادی و پشتیبانی‌های خانواده از تحصیل شکل می‌گیرند (شانگ، پینتریچ و میس^۴، ۲۰۰۸). به اعتقاد هاردی و لیسونن^۵ (۲۰۱۰) انگیزه تحصیلی افراد از عوامل گوناگون فردی، آموزشی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. دسته‌ای از عوامل شامل ویژگی‌های فیزیکی، سن و استعدادها فرد است و دسته دیگر انتظارات و آرزوهای فرد برای کسب موفقیت است که هر فرد با توجه به ادراک خود از منابع و امکانات، ویژگی‌های فردی، شرایط و محدودیت‌ها، آن‌ها را شکل می‌دهد و دسته سوم درجه ارزشمندی این اهداف و انتظارات در نزد فرد است. دانش‌آموزان به هر میزان که به اهداف و انتظارات خود ارزش قائل شوند، به همان میزان برای تحقق آن‌ها تلاش می‌کنند که البته مبنای ارزشگذاری این اهداف ممکن است فردی یا اجتماعی باشد. بر مبنای این مفروضه، می‌توان عوامل مؤثر در انگیزه تحصیلی

-
1. Hardré, Crowson, DeBacker & White
 2. Fan & Wolters
 3. Abeysekera & Dawson
 4. Schunk, Pintrich & Meece
 5. Hardré & Licuanen

دانش‌آموزان را بررسی و شناسایی کرد. دامنه عوامل شکل‌گیری، کاهش یا افزایش انگیزه تحصیلی به عوامل فردی محدود نمی‌شود؛ بلکه عوامل گوناگون آموزشی و اجتماعی و تراکنش آن‌ها با عوامل فردی نیز ممکن است، انگیزه‌های افراد را تحت تأثیر قرار دهد. برین، گلین و کیتلیسن^۱ (۲۰۱۱) و ونگ و اکلز^۲ (۲۰۱۲) با نقد روند و خط سیر پژوهش‌ها در حوزه انگیزه تحصیلی تأکید می‌کنند که در پژوهش‌های قبلی عمدتاً انگیزه تحصیلی با توجه به متغیرهای فردی و برخی رفتارهای معلم تحلیل و تبیین شده است؛ در صورتی که بافت اجتماعی و شرایط اقتصادی، ویژگی‌های شخصی و محیط آموزشی مدارس متوسطه در شکل‌گیری و تداوم انگیزه به صورت متعامل و درهم تنیده نقش ایفاء می‌کنند.

مدارس متوسطه به عنوان یک نظام باز اجتماعی تحت تأثیر عوامل گوناگون و تحولات اجتماعی قرار می‌گیرند. عواملی مانند عدم توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، تمرکزگرایی، عدم مشارکت معلمان و دانش‌آموزان در برنامه درسی مدارس و عدم توجه به نیازهای دانش‌آموزان در برنامه درسی از عوامل عدم استقبال دانش‌آموزان دوره متوسطه از مدرسه محسوب می‌شود (اکرمی، ۱۳۸۴). بیان‌فر، ملک‌ی، دلاور و سیف (۱۳۹۰) و بلچفرد، بست، براون و وبستر^۳ (۲۰۰۹) نیز به عواملی همچون روز آمد نبودن کتاب‌های درسی، عدم توجه به اصول برنامه‌ریزی درسی، نظام‌مند نبودن ساختار آموزش و پرورش، فضای فیزیکی مدارس، عدم توجه به تفاوت‌ها، علایق و استعدادها، تکالیف درسی ناخوشایند و ضعیف و عدم توجه به تحولات و نوآوری را از زمینه‌های بی‌انگیزگی دانش‌آموزان متوسطه عنوان کرده‌اند. به علاوه آمارهای مربوط به داوطلبان کنکور از دهه هشتاد به بعد نشان می‌دهد که پسران فقط ۴۰ درصد از داوطلبان کنکور ورود به دانشگاه‌های سراسری هستند (خبرآنلاین، ۹۴). در کنکور سال ۱۳۹۴، ۶۲ درصد دختر و ۳۸ درصد پسر، داوطلب کنکور دانشگاه‌های سراسری بوده‌اند که ۶۴ درصد پذیرفته‌شدگان دختر و ۳۶ درصد پسر بودند (ویستا نیوز، ۱۳۹۴) از طرفی گرچه آمار دانش‌آموزان پسر در زمان ورود به دوره متوسطه بالاتر از دختران است، ولی نرخ ترک تحصیل در پایه‌های دوم و سوم برای پسران بسیار بالاتر از دختران است،

-
1. Bryan , Glynn & Kittleson
 2. Wang & Eccles
 3. Blatchford , Bassett, Brown & Webster

با وجود اینکه تعدادی از دختران ممکن است به دلیل ازدواج زود هنگام از تحصیل محروم شوند. این روندها و آمارها در برخی از شهرهای ایران مانند تهران، اصفهان و کرمانشاه به سادگی قابل مشاهده است. این موارد نشانه‌هایی از کاهش انگیزه دانش‌آموزان پسر در دوره متوسطه در ایران و شهر کرمانشاه است (وحیدی و براتعلی، ۱۳۹۶). ادامه این روند می‌تواند بسیاری از دانش‌آموزان توانمند را بی‌انگیزه کند و رغبت آن‌ها را به تحصیل از بین ببرد. از این رو هدف این پژوهش شناسایی عوامل اجتماعی و آموزشی تأثیرگذار بر کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه است.

مبنای نظری این پژوهش مدل انگیزش مبتنی بر آینده و خود تنظیمی میلر و بریکمن^۱ (۲۰۰۴) است. بر اساس این مدل برانگیختگی تحصیلی نوعی رفتار خودتنظیمانه است که دانش‌آموزان با توجه به اهداف دور و بلندمدت و شکل‌دهی نظام تحلیل این اهداف به هدف‌های نزدیک و اقدام‌های عملیاتی رفتارهای خودتنظیمی خود را به وجود می‌آورند. بر اساس این مدل بافت فرهنگی اجتماعی، خانواده، ویژگی‌های مدرسه، همسالان و والدین در شکل‌دهی اهداف، آرزوها، انتظارات و انگیزه تحصیلی افراد نقش مهمی دارند. دانش‌آموزان با ملاحظه این بسترها، اهداف دور و درازمدت خود را برمی‌گزینند. سپس با توجه به منابع، امکانات و محدودیت‌های موجود، این اهداف را به هدف‌های نزدیک و قابل دسترس تحلیل می‌کنند و اقدام‌های عملی را برای تحقق این هدف‌ها تعریف می‌کنند. این فرآیند به مکانیزم مستمر خود مشاهده‌ای، خود ارزیابی و خود تأملی نیاز دارد که دانش‌آموزان با توجه به ادراک خود از نیازهای اجتماعی، ویژگی‌های فرهنگی، توانمندی‌های خود و باور به نقش تلاش خود در تحقق هدف‌ها به این کار دست می‌زنند. بنابراین، در این مدل ویژگی‌های شخصی افراد نظیر خودپنداره، خودکارآمدی، عزت نفس و خودباوری لایه‌ای از عوامل مربوط به انگیزش هستند که تحت تأثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی و عوامل آموزشی قرار دارند.

دانش‌آموزان با تأمل در شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه خود در مواردی نظیر امکان اتمام دوره متوسطه، کسب مدرک تحصیلی، یافتن شغل مورد نظر، افزایش فهم و درک مسائل، امکان ورود به دانشگاه و بسط ارتباط با جامعه اهداف تحصیلی خود را تعیین می‌کنند و با تعامل مستمر بین اهداف بلندمدت و اهداف نزدیک به اقدام‌های خودتنظیمی دست می‌زنند.

این اقدام‌ها انگیزه افراد را برای پیگیری، اصرار و تلاش در راستای اهداف افزایش می‌دهد. اهداف دور مسیر و جهت فعالیت‌ها، نحوه تحقق آن‌ها و سطح مشارکت فرد در آن‌ها را مشخص می‌کنند و اهداف نزدیک با تحقق‌شان رضایت شخصی به فرد می‌دهند. از طرفی غالب تکالیف و اقدام‌های عملی ابزاری برای تحقق اهداف نزدیک هستند و برخی دیگر خود نتایج آشکاری به همراه دارند که انگیزه تلاش مستمر برای پیگیری و اصرار بر اهداف دراز مدت را در فرد افزایش می‌دهند. این پیگیری مستمر فرآیندی است که افراد دارای رفتار خودتنظیمی به انجام تکالیف دشوار و آسان ترغیب می‌شوند و تناقضات بین خرده سیستم‌های مربوط به هدف‌های نزدیک و اقدام‌های عملی را با انگیزه انجام می‌دهند.

بر اساس مدل میلر و بریکمن (۲۰۰۴) انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان به عنوان یک رفتار خود تنظیمی تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی است که از وضعیت‌های مختلف نظیر؛ شرایط خانواده‌ها، اشتغال و بیکاری، شرایط علم و فناوری و درجه دانش بنیانی جامعه متأثر می‌شود. دانش‌آموزان با توجه به این شرایط، اهداف دور و بلندمدت خود را برمی‌گزینند. در لایه بعدی عوامل مرتبط با نظام آموزشی قرار دارند که دانش‌آموزان بر اساس ادراکشان از منابع، امکانات و محدودیت‌های مؤلفه‌ها و ساختار این نظام، اهداف بلند مدت را به هدف‌های نزدیک، قابل دسترس و اقدام‌های عملی ترجمه می‌کنند. عواملی نظیر رفتار و صلاحیت‌های معلمان، برنامه درسی، تکالیف و فعالیت‌های یادگیری، نحوه تعامل معلمان، کادر مدرسه و دانش‌آموزان با دانش‌آموزان، شیوه‌های تدریس و ارزشیابی دانش‌آموز را در موقعیتی قرار می‌دهند که او بتواند با ادراک از توانمندی‌های خود، باور به اثربخشی تلاش‌ها، خودکارآمدی و عزت نفس رفتارهای انگیزشی خود را به صورت خودتنظیمی سازماندهی کند. از این رو بر اساس این مدل عوامل فرهنگی- اجتماعی، عوامل آموزشی و عوامل فردی به صورت سه لایه متعامل و درهم تنیده رفتارهای انگیزشی دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در نمودار ۱ مدل مفهومی این پژوهش با نمایش لایه‌های اجتماعی، آموزشی و فردی تأثیرگذار در انگیزه تحصیلی ارائه شده است.

انگیزه

عوامل فردی

عوامل آموزشی

زمینه ها و شرایط
جامعه

نمودار ۱: مدل مفهومی عوامل مرتبط با انگیزه تحصیلی (میلر و بریکمن، ۲۰۰۴)

با توجه به این مدل مفهومی انگیزه تحصیلی در نهایت به صورت فردی جلوه می‌کند، ولی اساساً در ادراک فرد از بسترهای فرهنگی و اجتماعی و شرایط آموزشی ریشه دارد. زمینه‌ها و شرایط اجتماعی یک جامعه در شکل‌دهی انتظارات، آرزوها و هدف‌گزینی افراد نقش دارند و عوامل آموزشی نقش پشتیبانی‌کننده از تحقق این انتظارات و اهداف را برعهده دارند. ادراک فرد از توانمندی‌های خود، نقش تسهیلگری عوامل آموزشی و زمینه‌های اجتماعی به صورت لایه‌های درهم‌تنیده انگیزه تحصیلی را به وجود می‌آورند. از این رو مسئله اصلی پژوهش عبارت است از اینکه « کدام عوامل از بیرون نظام آموزشی و کدام عوامل از درون نظام آموزشی بر کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه تأثیر می‌گذارند؟ »

تحلیل پژوهش‌های انجام شده در زمینه انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه نشان می‌دهد که در این زمینه برخی از پژوهش‌ها تنها یک دسته از عوامل فردی، آموزشی و اجتماعی و تعدادی دیگر از پژوهش‌ها ترکیبی از عوامل را بررسی کرده‌اند.

الف) در پژوهش‌هایی مانند کرسالینو، نیکلین و فورد^۱ (۲۰۱۴) و ورمینگتن، کریس و اندرسون^۲، (۲۰۱۲) به عوامل فردی مرتبط با انگیزش تحصیلی تأکید شده است. کرسالینو و همکاران (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که دانش‌آموزان با کسب مهارت‌های شناختی نظیر؛ تفکر منطقی و مهارت‌های حل مسئله و با یادگیری مهارت‌های خود تنظیمی، تشخیص نیازهای یادگیری و مدیریت زمان انگیزه بیشتری برای تحصیل به دست می‌آورند. ورمینگتن و همکاران (۲۰۱۲) نشان داده‌اند، مکانیزم‌های پشتیبانی کننده از یادگیری مستقل، کسب شایستگی‌ها و احساس امنیت روانی در بهبود انگیزش تحصیلی نقش دارند. هاردی^۳ و همکاران (۲۰۰۶) با بررسی عوامل مؤثر در بی‌انگیزگی دانش‌آموزان سه پایه مختلف دوره متوسطه در تایلند دریافتند که ساختار اهداف، نحوه سازماندهی آن‌ها و چگونگی شکل‌گیری گروه‌های درون هر کلاس در این فرآیند تأثیر دارند. نصیری و جامع بزرگی (۱۳۸۹) و حصاری (۱۳۸۸) نقش عوامل آموزشی را در انگیزه تحصیلی بررسی کرده‌اند. نصیری و جامع بزرگی (۱۳۸۹) نشان داده‌اند، نبود جذابیت در تکالیف و فعالیت‌های کلاسی، فراهم نبودن شرایط کلاسی برای درک توانمندی‌های خود و بهبود خود پنداره سبب بی‌انگیزگی تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. حصاری (۱۳۸۸) عوامل مؤثر بر انگیزه دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی را با عواملی همچون جذاب نبودن مدرسه، ضعف برنامه درسی و ارتباط نامناسب معلمان با دانش‌آموزان مرتبط دانسته است.

پژوهشگرانی مانند پیرزهی و بهروان (۱۳۹۴)، بحرانی (۱۳۸۹) و مiltiyado^۴ (۲۰۱۳) به عوامل اجتماعی به وجود آورنده بی‌انگیزگی تأکید داشته‌اند. پیرزهی و بهروان (۱۳۹۲) نشان می‌دهند، موفقیت تحصیلی، ارزیابی مثبت از گروه‌های مرجع تحصیلی، کنش دانشجو و والدین به طور مستقیم و پایگاه اقتصادی و اجتماعی به شکل معکوس بر انگیزه تحصیلی تأثیر دارد. به علاوه وجود امکانات آموزشی و پژوهشی و نحوه تعامل استاد و دانشجو بر انگیزه تحصیلی اثر غیرمستقیم دارد. بحرانی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که آینده رشته تحصیلی، تحصیلات والدین، میانگین نمرات پیش‌بینی‌کننده انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه استان فارس هستند.

-
1. Cerasoli, Nicklin & Ford
 2. Wormington, Corpus & Anderson
 3. Hardre, Chen, Huang, Chiang, Jen & Warden
 4. Miltiyado

میلتیادو (۲۰۱۳) با بررسی نقش فناوری‌های ارتباطی جدید در انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دریافت؛ استفاده بیش از حد از تلفن همراه، پیوستن به شبکه‌های اجتماعی و عدم مدیریت زمان در فضای مجازی انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد.

ب) در برخی دیگر از پژوهش‌ها به ترکیبی از عوامل فردی، آموزشی و اجتماعی تأکید شده است. پژوهش کاوسیان، فراهانی، کدیور، هومن، شهرآرای و فرزاد (۱۳۸۶) در ده استان کشور نشان می‌دهد، خودپنداره تحصیلی، نگرش دانش‌آموز به ادامه تحصیل، تعامل با همسالان و پاداش‌های اجتماعی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های انگیزش تحصیلی درونی دانش‌آموزان هستند. فردوسی (۱۳۸۵) عوامل مؤثر بر بی‌توجهی دانش‌آموزان متوسطه به مطالب درسی را به چهار دسته معلم، دانش‌آموز، محتوای درسی و فضای فیزیکی کلاس درس نسبت می‌دهد و سپس این عوامل را در دو دسته کلی عوامل فردی و عوامل محیطی طبقه‌بندی می‌کند. کریمی (۱۳۸۹) ناهماهنگی بین میزان تکالیف مدرسه با توانایی‌های دانش‌آموزان، نظارت‌نداشتن والدین به وضعیت تحصیلی فرزندان، بی‌ارتباط بودن تکالیف با نیازهای روزمره، مشکلات خانوادگی نظیر محول کردن کارهای منزل به فرزندان از طرف والدین و تنبیه دانش‌آموزان در خانواده از علل بی‌انگیزگی تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه می‌شمارد. رشید، ذاکری، سلحشوری و کردنوقایی (۱۳۹۱) نشان دادند بین چهار دسته از عوامل شامل عوامل فردی نظیر؛ سبک اسناد و آگاهی از راهبردهای مطالعه، عوامل خانوادگی مانند؛ فضای روانی و عاطفی خانواده، نگرش والدین به تحصیل، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، عوامل آموزشی شامل؛ نگرش به امتحان، نگرش به معلم، نگرش به مسئولین مدرسه و عوامل اجتماعی نظیر؛ ارزش تحصیل در جامعه، نقش تحصیل در پایگاه اجتماعی و نقش تحصیل در آینده شغلی با انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه رابطه معناداری وجود دارد. لگولت، گرین دمرز و پلتیر^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی دریافتند، ضعف در باور به توانایی‌های خود، عدم باور به تلاش، تکالیف درسی و تلقی افراد از ارزشمندی آن‌ها از عوامل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان متوسطه هستند که بخشی از آن با نبود حمایت‌های والدین، معلمان و همسالان تشدید می‌شود. هاردی، سولیوان و کراوسان^۲ (۲۰۰۹) با بررسی عوامل مؤثر در انگیزش دانش‌آموزان متوسطه

مناطق روستایی کانادا نشان داده‌اند که از بین عوامل محیطی، حمایت معلم پیش‌بینی‌کننده قوی برای انگیزش دانش‌آموز است. ادراک دانش‌آموز از سودمندی و ارزشمندی محتوا پیش‌بینی‌کننده قوی برای میزان تلاش دانش‌آموز در راستای تکمیل دوره متوسطه است. ترن^۱ (۲۰۱۳) علل کم‌انگیزگی دانش‌آموزان اقلیت‌های قومی در دوره متوسطه ویتنام را مربوط به نامناسب بودن برنامه درسی رسمی، نامطلوب بودن محل زندگی، عدم مشارکت والدین در امور تحصیلی، عدم حمایت همسالان و نبود امکان اشتغال برمی‌شمارد.

بنابراین، می‌توان گفت در سال‌های اخیر مطالعه عوامل انگیزه تحصیلی به فراتر از عوامل فردی توسعه یافته و عوامل آموزشی و اجتماعی را در بر گرفته است. در پژوهش حاضر به مطالعه عوامل غیر فردی (درون و برون نظام آموزشی) مرتبط با انگیزه تحصیلی تأکید شده است. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤال زیر بود:

۱) چه عواملی در کاهش انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه نقش دارند؟

روش

این پژوهش به لحاظ هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان برای بازاندیشی در تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌های مهم آموزش متوسطه بهره گرفت. در این پژوهش از روش توصیفی و از نوع همبستگی استفاده شد. در پژوهش توصیفی موقعیت پدیده یا متغیر مورد مطالعه در یک زمان و جامعه خاص شناسایی و توصیف می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۵: ۷۹). جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه نواحی سه‌گانه شهر کرمانشاه هستند که تعداد کل آن‌ها در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به تعداد ۳۰۳۶۲ نفر بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و فرمول تعیین حجم کرجسی و مورگان ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. پرسشنامه در بین این تعداد افراد توزیع شد و ۳۵۰ نفر پرسشنامه‌ها را تکمیل و به پژوهشگر عودت دادند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود که برای ساخت آن ابتدا پژوهش‌های انجام شده در زمینه انگیزه تحصیلی و مبانی نظری به ویژه مدل میلر و

بریکمن (۲۰۰۴) مطالعه شد و سپس با ۳۰ دانش‌آموز متوسطه و ۱۲ دبیر شاغل در دوره متوسطه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته‌ای انجام شد. محورهای مصاحبه با تأکید بر نقش عوامل آموزشی و اجتماعی نظیر؛ نقش معلمان، مدیران مدارس، کتاب‌های درسی، شیوه‌های ارزشیابی، وضعیت اقتصادی، وضعیت بیکاری تحصیل‌کردگان، توسعه فناوری‌های مجازی و نحوه مشارکت والدین در امور مدرسه تنظیم شد. پس از جمع‌بندی پیشینه و تحلیل کیفی مصاحبه‌ها پرسشنامه اولیه با ۵۸ گویه تنظیم شد و به منظور بررسی روایی صوری و محتوایی به ۱۲ نفر از افراد صاحب نظر در زمینه انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه ارجاع داده شد. هفت گویه از آن با توجه به نظرات اصلاحی صاحب‌نظران کنار گذاشته شد. برای تعیین پایایی، ابتدا پرسشنامه در بین ۶۰ نفر از دانش‌آموزان به صورت مقدماتی اجرا شد. سپس با حذف چهار گویه ضریب همبستگی کل گویه‌های پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرانباخ ۰/۸۷ بهبود یافت که تعداد گویه‌های پرسشنامه به ۴۷ رسید. پرسشنامه نهایی دارای دو بخش بود. بخش اول اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل جنسیت، سن، رشته تحصیلی و نوع مدرسه بود و شامل شش گویه بود. بخش دوم حول محورهای؛ برنامه درسی مدارس، ویژگی‌های معلمان، ساختار اداری و فیزیکی مدارس، قوانین و مقررات، نوع نگاه جامعه به علم و علم‌آموزی، دسترسی به فناوری‌های جدید، دورنمای اشتغال و تحصیل و شرایط اقتصادی تنظیم شده بود که ۴۱ گویه داشت. شایان‌ذکر است که پرسشنامه با طیف لیکرت و با مقیاس هفت درجه‌ای از یک تا هفت تنظیم شد. عدد یک نشان‌دهنده کم‌ترین موافقت و عدد ۷ نشان‌دهنده بیشترین موافقت بود. برای کشف عامل‌ها از تحلیل عامل اکتشافی و شاخص‌هایی نظیر ارزش ویژه، درصد واریانس تبیین شده و درصد تراکمی واریانس تبیین استفاده شده است. در انجام تحلیل عامل اکتشافی از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و برای تعیین میزان برازش عامل‌های شناسایی شده از برنامه تحلیل ساختارهای گشتاوری^۱ (AMOS) نسخه ۱۶ بهره گرفته شده است. برای تعیین برازش عامل‌ها محاسبه شاخص‌هایی همچون X^2 , RMSEA, GFI, AGFI, NFI, IFI و CFI مد نظر قرار گرفته است.

1. Analysis of Moment Structures (AMOS)

یافته‌ها

برای پاسخ به سؤالات پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی، ابتدا به منظور اطمینان از کفایت نمونه‌گیری از آزمون‌های مختلف استفاده شد که میزان آن‌ها در جدول ارائه شده است.

جدول ۱: آزمون کفایت نمونه‌گیری

۰/۸۵	آزمون کفایت حجم نمونه کایزر، مایر، اوکلین
۹۵۸/۳۰	آزمون کاما بارتلت و تقریب خی دو
۳۶	درجه آزادی
۰/۰۱	سطح معناداری

اطلاعات مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد، مقدار KMO برابر ۰/۸۵ و آزمون بارتلت در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین، با توجه به کفایت نمونه‌برداری و معناداری آزمون بارتلت، ماتریس همبستگی داده‌ها برای تحلیل عاملی امکان‌پذیر است. از این رو پس از اطمینان از مناسبت و کفایت ماتریس همبستگی، می‌توان تحلیل عاملی را آغاز کرد. گویه‌های مربوط به عوامل مرتبط با کاهش انگیزه تحصیلی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: عامل‌ها و گویه‌های مربوط به بی‌انگیزگی تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه

عوامل‌های استخراج شده پس از چرخش								گویه‌ها
عامل نهم	عامل هشتم	عامل هفتم	عامل ششم	عامل پنجم	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	
							۰/۶۹	عدم توجه والدین به مسائل تحصیلی فرزندان
							۰/۶۴	مشاجرات بین والدین
							۰/۶۳	مشغله زیاد از حد والدین
							۰/۶۳	برخوردهای نادرست خانواده‌ها نسبت به درس
							۰/۵۱	نبود فضای مناسب برای مطالعه در خانه
							۰/۴۹	تعداد فرزندان زیاد در خانواده
							۰/۴۸	بی‌سوادی والدین
							۰/۴۲	مشکلات مادی و گرفتاری‌های مالی خانواده
							۰/۷۲	نبود فضای اجتماعی برای پذیرش افراد علم‌جو و فناوری
							۰/۶۹	رواج نگاه مادی‌گرایانه در جامعه

عوامل‌های استخراج شده پس از چرخش								گروه‌ها
عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم	عامل هشتم	
	۰/۶۸							عدم درک اهمیت تحصیل
	۰/۶۴							تعارض ارزش‌های نامناسب اجتماعی نظیر پارتی با ارزش‌های نظام آموزشی مانند علم‌آموزی
		۰/۶۸						بی‌ثباتی اقتصاد کشور و نبود روندهای پایدار در این عرصه
		۰/۵۹						حاکمیت نگاه مادی صرف به شغل
		۰/۵۸						دوستان و اطرافیان بیکار در محیط اجتماع، محله و محل زندگی
		۰/۵۳						نبود شغل مناسب برای افراد تحصیل‌کرده
		۰/۵۳						نبود شغل‌های مرتبط با تحصیلات
			۰/۶۴					عدم امکان استفاده از آموخته‌ها در محیط جامعه
			۰/۶۲					عدم تناسب درس‌های کلاسی با نیازهای جامعه
			۰/۵۱					عدم استفاده از تکالیف و آزمون‌های واقعی و کاربردی
			۰/۴۲					عدم هدایت صحیح دانش‌آموزان برای استفاده از آموخته‌ها
			۰/۷۵					بی‌توجهی معلم نسبت به ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان
			۰/۷۲					بی‌انگیزگی و بی‌رغبتی معلمان
			۰/۶۵					عدم استفاده از روش‌های مناسب تدریس
			۰/۶۵					عدم رعایت عدالت در کلاس‌داری و ارزشیابی توسط معلمان
			۰/۶۰					روز آمد نبودن دانش و ضعف تجربه معلمان
			۰/۵۵					بی‌توجهی معلمان برای تغییر نگرش شاگردان نسبت به درس
			۰/۴۵					عدم آشنایی معلمان با مسائل روان‌شناختی
			۰/۶۱					حجم بالای محتوای کتاب‌های درسی
			۰/۴۷					عدم برنامه‌ریزی درسی صحیح روزانه در مدارس
			۰/۴۶					بی‌ربط بودن برنامه درسی با زندگی واقعی
			۰/۴۲					گویا و روشن نبودن مطالب درسی
			۰/۷۱					ارزشیابی سهل‌انگارانه (ارزشیابی آسان به همراه نمرات بالا)
			۰/۷۱					فضای نامناسب کلاس‌ها
			۰/۶۸					نبود وسایل الکترونیکی جدید در مدارس
			۰/۶۲					نبود تکرار پایه

عوامل‌های استخراج شده پس از چرخش								گروه‌ها
عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم	عامل هشتم	
						۰/۶۰		نبود فضای فیزیکی جذاب در مدارس
						۰/۵۹		نبود وسایل کمک آموزشی
						۰/۵۶		فاصله فکری و ارزشی بین دانش‌آموزان و اولیای مدرسه
						۰/۴۴		عدم توجه به ارزش تحصیل و یادگیری در ساختار مدرسه
						۰/۴۳		کمبود امکانات تفریحی و ورزشی در مدرسه
						۰/۶۷		نبود ارتباط صحیح بین دبیران، مشاوران و کادر مدرسه
						۰/۶۵		عدم دسترسی به کتابخانه‌های مجهز در مدرسه
						۰/۵۹		تأکید زیاد از حد مدیران بر برگزاری آزمون‌ها
						۰/۴۶		روابط نامناسب کادر مدرسه و اعمال مقررات سختگیرانه
						۰/۴۱		عدم نظارت و راهنمایی صحیح دبیران
						۰/۴۰		تراکم دانش‌آموزی بالا در کلاس‌ها
						۰/۸۵		استفاده مستمر از گوشی‌های دارای قابلیت‌های جدید
						۰/۸۳		استفاده از اینترنت و عضویت در شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و تلگرام
						۰/۵۱		استفاده بی‌رویه از جذابیت‌های فناوری‌های جدید
						۰/۴۹		عدم مدیریت زمان در استفاده از فناوری‌های جدید
						۱/۱۴	۱/۲۳	مقدار ویژه
						۱/۷۹	۲/۱۲	درصد واریانس
						۶۵	۶۳/۲۱	درصد تراکمی واریانس تبیین شده

با توجه به داده‌های جدول ۲ ساختار عاملی به دست آمده شفاف، عامل‌ها از هم تفکیک شده و به استقلال رسیده‌اند. عامل‌ها در این ساختار دارای سؤال‌ها یا معرف‌های خاص خود هستند و به طور شفاف ارتباط هر عامل با نشانگرهایش نشان داده شده است. مسائل خانوادگی با مقدار ویژه ۱۷/۸۴، درصد واریانس تبیین شده ۱۶/۵۱ و درصد تراکمی واریانس تبیین شده ۱۶/۵۱ به عنوان عامل اول، نوع نگاه جامعه به علم و تحصیل با مقدار ویژه ۷/۶۷، درصد واریانس تبیین شده ۱۳/۳۵ و درصد تراکمی واریانس تبیین شده ۲۹/۰۶ به عنوان عامل دوم، وضعیت اشتغال و بیکاری تحصیلکرده‌ها با مقدار ویژه ۷/۵۰، درصد واریانس تبیین شده ۱۰/۰۲ و درصد تراکمی واریانس تبیین شده ۳۹/۰۸ به عنوان عامل سوم، کاربردی نبودن آموخته‌ها با مقدار

ویژه ۳/۵۶، درصد واریانس تبیین شده ۷/۷۸ و درصد تراکمی واریانس تبیین شده ۴۷/۶۶ به عنوان عامل چهارم، ضعف صلاحیت‌های معلمان با مقدار ویژه ۲/۴۷، درصد واریانس تبیین شده ۵/۴۶، و درصد تراکمی واریانس تبیین شده ۵۳/۱۲ عنوان عامل پنجم، کیفیت پایین برنامه درسی با مقدار ویژه ۲/۳۲، درصد واریانس تبیین شده ۴/۷۴ و تراکمی تبیین شده ۵۷/۰۶ به عنوان ششم، فضا و ساختار مدارس با مقدار ویژه ۱/۶۹، درصد واریانس تبیین شده ۳/۲۳ و درصد تراکمی تبیین شده ۶۱/۰۹ به عنوان عامل هفتم، شیوه مدیریت مدارس با مقدار ویژه ۱/۲۳، درصد واریانس تبیین شده ۲/۱۲ و درصد تراکمی تبیین شده ۶۳/۲۱ به عنوان عامل هشتم و آسیب‌های توسعه فناوری‌های جدید ارتباطی با مقدار ویژه ۱/۱۴، درصد واریانس تبیین شده ۱/۷۹ و درصد تراکمی واریانس تبیین شده ۶۵ به عنوان عامل نهم به ترتیب اولویت در کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شناسایی شدند. در ادامه به منظور بررسی بیشتر و ارائه مدل علل کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان از نرم افزار Lisrel بهره گرفته شد.



نمودار ۱: الگوی آزمون شده پژوهش در حالت معناداری

جدول ۳: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی آزمون شده پژوهش

شاخص‌های برازش مطلق			
شاخص	GFI	AGFI	SRMR
مقدار به دست آمده	۰/۹۱	۰/۸۵	۰/۰۰۰
حد قابل پذیرش	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۸۰	کمتر از ۰/۰۵
شاخص‌های برازش تطبیقی			
شاخص	CFI	NFI	NNFI
مقدار به دست آمده	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۹۱
حد قابل پذیرش	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص‌های برازش تعدیل یافته			
شاخص	X2/df	PNFI	RMSEA
مقدار به دست آمده	۲/۷۸	۰/۶۹	۰/۱
حد قابل پذیرش	کمتر از ۳	بیشتر از ۰/۶۰	کمتر از ۰/۱

در جدول ۳، مقادیر به دست آمده در پژوهش حاضر و حد قابل پذیرش هر یک از شاخص‌های برازش بر اساس شاخص‌های ارائه شده توسط کلاین (۲۰۱۱) گزارش شده‌اند. با توجه به این جدول تمامی شاخص‌های برازش به جز شاخص X2/df در حد مطلوبی قرار دارند و می‌توان نتیجه گرفت که مدل آزمون شده برازش مناسبی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

کاهش انگیزه تحصیلی یکی از دشواری‌های پیش‌روی نظام آموزش متوسطه است. عمده پژوهش‌های قبلی مربوط به انگیزه تحصیلی به بررسی نسبت آن با ویژگی‌های فردی و متغیرهای روان‌شناختی نظیر خودکارآمدی، فراشناخت، مسئولیت‌پذیری، علاقه و استعداد محدود شده است. میلر و بریکمن (۲۰۰۴) بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا، انگیزه تحصیلی را برخاسته از زمینه‌های اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی، حمایت‌های آموزشی، نحوه تعیین اهداف، شیوه تحلیل اهداف به هدف‌های خردتر، اقدام‌ها، تکالیف و رضایت حاصل از انجام تکالیف می‌دانند. بر این اساس خط سیر پژوهش‌های مربوط به این موضوع در دهه‌های اخیر به فراتر از عوامل فردی توجه داشته است و عوامل متعددی از درون نظام آموزشی و نظام وسیع اجتماعی را در نظر گرفته است.

بنابراین، هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل برون و درون نظام آموزشی مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان پسر شهر کرمانشاه بود.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، ۹ عامل به ترتیب اولویت شامل مسائل مربوط به خانواده، نوع نگاه جامعه به علم، اشتغال و بیکاری تحصیل‌کردگان، کاربردی نبودن آموخته‌ها، کیفیت پایین برنامه درسی، ضعف صلاحیت‌های معلمان، ساختار مدارس، نحوه اداره و مدیریت مدارس و فناوری در مجموع ۴۵/۴۲ درصد از عوامل کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه را شکل می‌دهند و می‌توان عوامل فردی و روان‌شناختی که تاکنون در پژوهش‌های متعدد به دست آمده است، به این مجموع اضافه کرد. از بین این ۹ عامل، عواملی مانند خانواده و مسائل مربوط به آن، جایگاه ضعیف علم و علم‌آموزی در جامعه، بیکاری تحصیل‌کرده‌ها و توسعه فناوری‌های ارتباطی جدید به عنوان عوامل برون نظام آموزشی یا عوامل اجتماعی هستند که نظام آموزش متوسطه از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. عوامل دیگری مانند کاربردی نبودن آموخته‌ها، کیفیت پایین برنامه درسی، ضعف معلمان، ساختار مدارس و نحوه مدیریت مدارس عواملی از درون نظام آموزشی هستند که بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. بر اساس نظریه میلر و بریکمن (۲۰۰۴) عوامل اجتماعی، آموزشی و فردی مؤثر در انگیزه تحصیلی سه دسته از عوامل درهم‌تنیده و مرتبط به هم هستند که به صورت لایه‌های پویا، روابط نزدیکی با یکدیگر دارند و بر هم تأثیر می‌گذارند و از نحوه کنش و واکنش فرد در بین این سه لایه انگیزه تحصیلی او ایجاد، کاهش یا بهبود پیدا می‌کند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، خانواده مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان است. قبل از نظام رسمی مدرسه، خانواده تنها نهاد تربیتی بوده است. ولی با شکل‌گیری نظام رسمی آموزش و پرورش این وظیفه مهم بر دوش نهاد خانواده و مدرسه گذاشته شد. تعامل این دو نهاد در طی سالیان با چالش‌های زیادی همراه بوده است. از یک سو نظام رسمی مدرسه و مربیان تربیتی در مواقعی در صلاحیت و مسئولیت دادن به والدین و خانواده دچار تردید شده و از سویی دیگر در دهه‌های اخیر افرادی مانند ایوان ایلچ با طرح ایده «مدرسه‌زدایی از جامعه»^۱ نگرانی‌های خود را از خلاءهای تربیتی موجود در

مدارس بیان کرده‌اند و از همین رو ایده «آموزش از خانه»^۱ با اقبال بیشتر مواجه شده است (مهرمحمدی، ۱۳۹۱). با وجود این، در جوامع امروزی وظیفه دشوار تربیت را باید با همراهی دو نهاد خانواده و مدرسه و بسط مشارکت بین این دو پیش برد و نمی‌توان نظام آموزشی را بدون تأثیرات متقابل خانواده و مدرسه متصور شد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر عواملی مانند؛ عدم توجه والدین به مسائل تحصیلی فرزندان، مشاجرات بین والدین، مشغله زیاد از حد والدین، برخوردهای نادرست خانواده‌ها نسبت به درس، نبود فضای مناسب برای مطالعه در خانه، تعداد فرزندان زیاد، بی‌سوادی والدین، مشکلات مادی و گرفتاری‌های مالی خانواده از عوامل مربوط به خانواده در کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان هستند. پژوهش‌های قبلی مانند؛ کریمی (۱۳۸۹)، بحرانی (۱۳۸۹)، رشید و همکاران (۱۳۹۱)، دمرز و پلتیر (۲۰۰۶) ترن (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که مسائلی همچون عدم نظارت والدین بر تحصیل فرزندان، پایین بودن تحصیلات والدین، رفتارهای مستبدانه والدین، تعارضات و جدایی پدر و مادر، فضای روانی و عاطفی خانواده، نگرش والدین به تحصیل، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، نبود حمایت‌های والدین و عدم مشارکت والدین در امور تحصیلی در کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه نقش دارند. با توجه به نظریه بریکمن و میلر (۲۰۰۴) خانواده هم در نقش به‌وجود آورنده ارزش‌ها در نوجوانان و در نقش پشتیبان و فراهم آورنده زمینه تحقق آرزوها و اهداف که فرد برای خود شکل داده است، می‌تواند در انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار باشد.

دومین عامل مربوط به جایگاه پایین علم و علم‌آموزی در جامعه و سومین عامل بیکاری تحصیل‌کردگان است. در جوامع دانش بنیان امروزی، افراد برای ورود به جامعه و بازار کار به صلاحیت‌های عمومی، صلاحیت‌های تخصصی و ترکیب ظریف بین آن‌ها نیاز دارند که تحصیلات دوره متوسطه و دانشگاه باید این مهارت‌ها را در افراد پرورش دهد. به علاوه لازمه ورود افراد به بازار کار، شکل‌گیری ساختار مناسب نظام اقتصادی، توجه به نهادهای علمی، نهادینه‌سازی ساختارهای علمی و نسبت آن با نظام فناوری است که سبب می‌شود، دانش‌آموزان دوره متوسطه وضعیت، نقش و شرایط خود را به تناسب این موقعیت بیشتر درک کنند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، عدم شکل‌گیری ساختارهای علمی در جامعه، رواج نگاه

1. Home schooling

مادی گرایانه در جامعه، عدم درک ارزش و اهمیت تحصیل و تغییر نظام ارزش‌های نوجوانان تحت عنوان «جایگاه پایین علم و علم‌آموزی در جامعه» به عنوان عامل دوم و مواردی نظیر؛ بی‌ثباتی اقتصاد کشور، حاکمیت نگاه مادی صرف به شغل، دوستان و اطرافیان بیکار در محیط اجتماع، نبود شغل مناسب برای افراد تحصیل کرده و عدم توجه مسئولان به وضعیت معیشتی تحصیل کرده‌ها تحت عنوان «بیکاری تحصیل کرده‌ها» عامل سوم در کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه است. پیرزهی و بهروان (۱۳۹۲) نشان داده است که انگیزه تحصیلی دانشجویان با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، امید به آینده شغلی و شرایط مساعد اقتصادی و شغلی مرتبط است. یافته‌های رشید و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد، عواملی همچون ارزش تحصیل در جامعه، نقش تحصیل در پایگاه اجتماعی و نقش تحصیل در آینده شغلی با انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه رابطه معنادار دارد. وضعیت اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای آن و شرایط فرهنگی و اقتصادی کشور در شکل‌گیری آرزوها، انتظارات، اهداف دراز مدت دانش‌آموزان نقش مهمی دارند و به علاوه این عوامل می‌توانند نقش حمایت‌کننده و تسهیل‌کننده تحقق اهداف و امکان تحلیل آن‌ها به هدف‌های خردتر را فراهم کنند تا دانش‌آموزان با در نظر گرفتن اهداف و شرایط، امکان تمرین رفتارهای خودتنظیمی را به دست آورند. در پژوهش ترن (۲۰۱۳) یکی از علل کم‌انگیزگی دانش‌آموزان اقلیت‌های قومی در دوره متوسطه ویتنام نبود امکان اشتغال تلقی شده است.

کاربردی نبودن آموخته‌ها به عنوان عامل چهارم و کیفیت پایین برنامه درسی در دوره متوسطه عامل ششم کاهش انگیزه تحصیلی هستند. متمرکز بودن نظام آموزشی و عدم استفاده از نظرات معلمان، والدین و دانش‌آموزان در برنامه درسی، عدم توجه به نیازهای بومی، روز آمد نبودن کتاب‌های درسی، عدم توجه به اصول برنامه‌ریزی درسی و عدم توجه به تحولات نوآورانه و فناوری‌ها عواملی هستند که کاربرد یا انتقال آموخته‌ها از مدرسه به بطن جامعه را با مشکل مواجه می‌کنند (اکرمی، ۱۳۸۴؛ بیان‌فر و همکاران، ۱۳۹۰؛ بلچفرد و همکاران، ۲۰۰۹). در نظریه بریکمن و میلر کیفیت برنامه درسی و کاربردی بودن آموخته‌ها در نقش شرایط تسهیل‌کننده تحقق اهداف و زمینه‌ای برای کسب رضایت از تلاش‌های تحصیلی تلقی می‌شوند. در این پژوهش نیز مواردی همچون؛ عدم امکان استفاده از آموخته‌ها، عدم تناسب آموخته‌های کلاسی با نیازهای جامعه، عدم استفاده از تکالیف و آزمون‌های واقعی و کاربردی

و عدم هدایت صحیح دانش‌آموزان برای استفاده از آموخته‌ها در زندگی به عنوان کاربردی نبودن آموخته‌ها و مواردی مانند حجم بالای محتوای کتاب‌ها، عدم برنامه‌ریزی درسی صحیح، بی‌ربط بودن برنامه درسی به زندگی واقعی و گویا و روشن نبودن مطالب درسی به عنوان پایین بودن کیفیت برنامه درسی در نظر گرفته شده است. در پژوهش نصیری و جامع‌بزرگی (۱۳۸۹) نبود جذابیت در تکالیف و فعالیت‌های کلاسی، فراهم نبودن شرایط کلاسی مناسب برای توسعه درک توانمندی‌های دانش‌آموزان و بهبود خود پنداره، در پژوهش حصاری (۱۳۸۸) به ضعف برنامه درسی، عدم هماهنگی بین میزان تکالیف مدرسه با توانایی‌های دانش‌آموزان، بی‌ارتباط بودن تکالیف با نیازهای روزمره، در پژوهش کراوسان (۲۰۰۹) به ادراک دانش‌آموز از سودمندی و ارزشمندی محتوا به عنوان پیش‌بینی‌کننده قوی برای میزان تلاش دانش‌آموز و در پژوهش ترن (۲۰۱۳) به نامناسب بودن برنامه درسی رسمی تأکید شده است که این یافته‌ها تأییدکننده یافته‌های پژوهش حاضر است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش عامل پنجم در کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان ضعف صلاحیت‌های معلمی در دبیران است. معلم نافذترین عنصر در اجرای برنامه درسی است که می‌تواند با تأملات مدبرانه در تعامل با دانش‌آموزان و ارائه برنامه درسی قصد شده به آن‌ها حتی برخی از ضعف‌های برنامه درسی را برطرف کند. در این پژوهش به مواردی مانند؛ بی‌توجهی معلم نسبت به ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان، بی‌رغبتی خود معلمان به تدریس، استفاده از روش‌های نامناسب در تدریس، عدم رعایت عدالت در کلاس‌داری و ارزشیابی، نبود دانش روز آمد و تجربه کافی، بی‌توجهی به باورهای شاگردان نسبت به تحصیل و عدم آشنایی معلمان با مسائل روان‌شناختی به عنوان ضعف معلمان در نظر گرفته شده است. بر اساس نظریه بریکمن و میلر معلم می‌تواند دانش‌آموزان را از جنبه آموزشی و پرورشی به گونه‌ای هدایت کند که ضمن کسب اصول و مفاهیم علمی به برخی از آثار تربیتی نیز دست یابد و در این شرایط بتواند با مشارکت در فعالیت‌ها، تکالیف و آزمون‌ها به رضایت درونی و احساس ارزشمندی دست یابد و انگیزه بیشتری برای تحصیل به دست آورند. در پژوهش‌هایی مانند هاردی و همکاران (۲۰۰۶) به نحوه شکل‌گیری گروه‌های درون کلاس توسط معلم و ارتباط آن با بهبود انگیزه تحصیلی تأکید شده است. رشید و همکاران (۱۳۹۱) نگرش دانش‌آموزان به معلم را منشاء انگیزه تحصیلی در نظر می‌گیرند. در پژوهش نصیری و جامع‌بزرگی (۱۳۸۹) بر نقش

معلم در طراحی تکالیف جذاب و فعالیت‌های کلاسی مناسب توجه شده است. حصاری (۱۳۸۸) ارتباط نامناسب معلمان با دانش‌آموزان را از علل بی‌انگیزگی تحصیلی عنوان کرده و فردوسی (۱۳۸۵) رفتارهای معلم در کلاس درس را یکی از چهار عامل بی‌انگیزگی تحصیلی تلقی می‌کند. لگولت، گرین دمرز و پلتیر (۲۰۰۶) نبود حمایت‌های معلمان و همسالان را علل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان متوسطه و هاردی، سولیوان و کراوسان (۲۰۰۹) حمایت معلم را پیش‌بینی‌کننده قوی برای انگیزش دانش‌آموز می‌دانند.

ساختار مدارس و نحوه مدیریت در آن‌ها به ترتیب اهمیت عوامل هفتم و هشتم هستند که بر کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. ساختار مدرسه شامل قوانین و مقررات، محیط فیزیکی مدرسه و کلاس‌ها، تجهیزات آزمایشگاه‌ها و روزآمد نبودن آن‌ها مجموعه مواردی هستند که ساختار مدرسه را شکل می‌دهند. وجود این مجموعه امکانات و فرصت‌ها در مدارس می‌تواند، امکان انجام تکالیف آموزشی را تسهیل و به بهبود انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند. در این پژوهش مواردی همچون ارزشیابی سهل‌انگارانه، فضای نامناسب کلاس‌ها، کمبود تجهیزات جدید الکترونیکی، نبود قانون تکرار پایه، فضای غیرجذاب محیط مدرسه، کمبود وسایل کمک آموزشی و تفاوت نظام ارزشی بین مدیران مدارس با دانش‌آموزان موجب کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان شده است. همچنین مواردی مانند نبود ارتباط صحیح بین دبیران، کادر مدرسه و مشاوران؛ عدم دسترسی به کتابخانه‌های مجهز در مدرسه، تأکید زیاد از حد مدیران بر برگزاری آزمون‌ها، روابط نامناسب کادر مدرسه و اعمال مقررات؛ عدم نظارت صحیح مدیران بر کلاس‌ها و تراکم دانش‌آموزی بالا در کلاس‌ها از مسائل مربوط به نحوه مدیریت مدارس هستند که منشاء کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان شمرده می‌شوند.

در پژوهش حصاری (۱۳۸۸) به مواردی همچون روابط نامناسب کادر مدرسه با دانش‌آموزان، مقررات خشک مدرسه، عدم استفاده از رنگ‌های شاد و پرانرژی و نبود فضای فیزیکی مفرح در مدرسه، عدم به‌کارگیری امکانات پیشرفته و جذاب نبودن مدرسه اشاره شده است.

توسعه فناوری‌های جدید عامل دیگری است که وقت بسیاری از اقشار جامعه از جمله نوجوانان را به خود اختصاص می‌دهد. دانش‌آموزان متوسطه با استفاده از رایانه شخصی، تلفن

همراه، تبلت و ای‌پد به بازی کردن، جستجو در وب، ارتباط با دیگران، مطلب نوشتن و تبادل عکس و ویدئو مشغول می‌شوند و بخشی از زمان روزانه خود را صرف این کارها می‌کنند و این فعالیت‌ها آن‌ها را از توجه به مسائل تحصیلی باز می‌دارد (کارر، ۱۳۹۴). در این پژوهش مواردی مانند استفاده مستمر از گوشی‌های دارای قابلیت‌های جدید، استفاده از اینترنت، عضویت در شبکه‌های اجتماعی و استفاده بی‌رویه از جذابیت‌های این فناوری‌ها به عنوان عوامل کاهش انگیزه تحصیلی شناسایی شده است.

به طور کلی می‌توان گفت کاهش انگیزه تحصیلی منشاءها و علل متعددی دارد و به صورت رفتارهای غیرخودتنظیمانه و بی‌انگیزگی در فرد جلوه می‌کند. انگیزه نیروی محرکه است برای رسیدن فرد به اهداف، آرزوها و آرمان‌ها که هر فرد این هدف‌ها را با توجه به شرایط اجتماعی و آموزشی و ادراک خود از آن شرایط و توان خود آن را شکل می‌دهد. انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه نیز با توجه به درک آن‌ها از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، بسترها و زمینه‌های آموزشی و ادراک‌شان از خود شکل می‌گیرد. انگیزه تحصیلی محصول لایه‌های در هم تنیده‌ای از روابط پیچیده بین درک فرد از زمینه‌های اجتماعی، آموزشی و فردی است که می‌توان عوامل اجتماعی را عوامل برون‌نظام و عوامل آموزشی را عوامل درون‌نظام آموزشی دانست که هر دو به صورت درهم تنیده از طریق شکل‌دهی اهداف، نظام تحلیل اهداف و سازماندهی مکانیزم‌های پشتیبان برای تحقق هدف‌ها انگیزه فرد را شکل می‌دهند یا به عکس موجب کاهش آن می‌شوند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به یافته‌های این پژوهش، عوامل اجتماعی سهم بالایی در کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در طراحی و بازنگری برنامه‌های درسی دوره متوسطه به ویژگی‌هایی مانند وضعیت دانش‌بنیانی، نوع نگاه جامعه به علم‌آموزی و شرایط اشتغال تحصیل‌کردگان بیشتر توجه شود.
- با توجه به نقش مهم خانواده در کاهش انگیزه تحصیلی، پیشنهاد می‌شود به خانواده‌ها علاوه بر زمینه‌های مرتبط با تحصیل فرزندان در زمینه‌های کاهش تعارضات بین زوجی و رفع اختلافات آموزش‌های لازم داده شود.
- زمینه‌های لازم برای کاربردی کردن آموخته‌های دانش‌آموزان فراهم شود و در این زمینه

- لازم است اقداماتی در جامعه و اقتصاد صورت گیرد و اصلاحاتی نیز در برنامه درسی انجام شود.
- آموزش دبیران در زمینه‌های تعامل با دانش‌آموزان، شیوه‌های تدریس و ارزشیابی و آشنایی با ویژگی‌های روانی آن‌ها می‌تواند به کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند.
- ساختار ظاهری نظیر فضا، رنگ و تجهیزات مدارس بهبود یابد و مقررات آن متناسب با شرایط جدید و ویژگی‌های دانش‌آموزان اصلاح شود.
- نحوه مدیریت مدارس نظیر؛ رفتار کادر اداری و آموزشی مدارس با دانش‌آموزان و تعاملات آن‌ها با یکدیگر اصلاح شود.
- قوانین مشخص و دقیق در زمینه میزان و نحوه استفاده از فناوری‌های جدید به مدارس متوسطه تدوین شود و شیوه‌های استفاده صحیح از این فناوری‌ها به دانش‌آموزان آموزش داده شود.



منابع

- اکرمی، کاظم (۱۳۸۴). نقد و بررسی اجمالی کمبودهای کتاب‌های درسی از منظر نیازها و ضرورت‌ها، در کتاب قلمرو برنامه درسی، تهران: سمت
- بیان‌فر، فاطمه، ملکی، حسن، دلاور، علی و سیف، علی اکبر (۱۳۹۰). تبیین اثر برنامه‌درسی پنهان مدارس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی به منظور ارائه مدل، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۹(۱): ۷۱-۱۰۱.
- بحرانی، محمود (۱۳۸۹). مطالعه انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- پیرزهی، عبدالخالق و بهروان، حسین (۱۳۹۲). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، مجله علوم اجتماعی فردوسی مشهد، ۱۰(۲): ۲۳-۵۶.
- حصاری، فرهاد (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر در میزان انگیزه در دانش‌آموزان و جلوگیری از مدرسه‌گریزی در دانش‌آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- رشید، خسرو، ذاکری، علیرضا، سلحشوری، احمد و کردنوقابی، رسول (۱۳۹۱). انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه در رابطه با عوامل محیطی، فصلنامه فناوری آموزش، ۷(۲): ۱۰۷-۱۰۰.
- طباطبایی یزدی، مژگان، شریفی، حسن پاشا و فتاح، ناظم (۱۳۸۶). مطالعه روند افزایش دانشجویان دختر نسبت به پسر و سهم عوامل مؤثر بر این روند، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع مصلحت نظام.
- عرفانی، نصراله (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای انگیزش یادگیری در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس راهبردهای شناختی و فراشناختی دانش‌آموزان، مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۴(۲): ۱۹۶-۱۶۷.
- فردوسی، طیبه (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر در بی‌توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۵(۲۴): ۴۱-۲۴.
- کارر، نیکلاس (۱۳۹۴). کم‌عمق‌ها: اینترنت با مغز ما چه می‌کند؟ ترجمه امید سپهرام، تهران:

جیحون.

کاووسیان، ج.، فراهانی، م.، هومن، ع.، شهرآرای، م.، فرزاد، و. (۱۳۸۶). مطالعه عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان-های سراسر کشور در سال تحصیلی ۸۵-۸۴، فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ۲(۸)، ۸۵-۱۰۸.

کریمی، محمد (۱۳۸۹). علل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان و راهبردهای افزایش انگیزه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
وحیدی، زهرا و براتعلی، مریم (۱۳۹۶). پیش‌بینی میزان عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه بر اساس مهارت‌های فراشناختی و خود‌نظم‌بخشی، دو ماهنامه راهبردهای آموزشی در علوم پزشکی، ۱۰(۲): ۱۰۳-۱۱۴.

ویستا نیوز (۱۳۹۴). آمار تحلیلی داوطلبان کنکور. قابل دسترس در سایت vistanews.ir
مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۱). فرهنگ خانواده: مبنای مغفول در سازماندهی تعاملات بین‌خانه و مدرسه، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۵(۲): ۲۷۵-۲۹۵.

نصیری، حبیب‌اله و جامع بزرگی، محبوبه (۱۳۸۹). ارزیابی بی‌انگیزشی تحصیلی و پیامدهای آن در دانش‌آموزان دبیرستانی، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۶(۳): ۳۱-۴۶.

- Abeyssekera, L., & Dawson, P. (2015). Motivation and cognitive load in the flipped classroom: definition, rationale and a call for research. *Higher Education Research & Development*, 34(1): 1-14.
- Blatchford, P., Bassett, P., Brown, P. and Webster, R. (2009). The effect of support staff on pupil engagement and individual attention, *British educational research Journal*. 35(5): 661-686.
- Bandura, A. (2002). *Environmental sustainability by sociocognitive deceleration of population growth*. In P. Schmuck & W. Schultz (Eds.), *The psychology of sustainable development* (pp. 209-238). Dordrecht, The Netherlands: Kluwer.
- Bryan, R. R., Glynn, S. M., & Kittleson, J. M. (2011). Motivation, achievement, and advanced placement intent of high school students learning science. *Science Education*, 95(6): 1049-1065.
- Csikszentmihalyi, M., & Wong, M. M. H. (2014). Motivation and academic achievement: The effects of personality traits and the quality of experience. In *Applications of Flow in Human Development and Education* (pp. 437-465). Springer Netherlands.
- Cerasoli, C. P., Nicklin, J. M., & Ford, M. T. (2014). Intrinsic motivation and extrinsic incentives jointly predict performance: A 40-year meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 140(4): 980-997.

- Gambrell, L. B. (2011). Seven rules of engagement: What's most important to know about motivation to read. *The Reading Teacher*, 65(3): 172-178.
- Fan, W., & Wolters, C. A. (2014). School motivation and high school dropout: The mediating role of educational expectation. *British Journal of Educational Psychology*, 84(1): 22-39.
- Ferriter, B. (2009). Cell phones art disrupting the learning environment. <http://teacherleaders.typepad.com>
- Froiland, J. M., & Worrell, F. C. (2016). Intrinsic motivation, learning goals, engagement, and achievement in a diverse high school. *Psychology in the Schools*, 53(3): 321-336.
- Hardré, P. L., & Licuanen, B. (2010). Motivational characteristics of native and non-native students in rural, public high schools. *Journal of American Indian Education*, 49(3): 41-64.
- Hardré, P. L., Crowson, H. M., DeBacker, T., & White, D. (2007). Predicting the academic motivation of rural high school students. *Journal of Experimental Education*, 75(4): 247-269.
- Hardre. P. L, Chen. C.H, Huang . S, Chiang. C, Jen. F and Warde. L(2006). Factors Affecting High School Students' Academic Motivation in Taiwan. *Asia Pacific Journal of Education*, 26(2): 189-207.
- Hardré, P., Sullivan, D., & Crowson, H. (2009). Student Characteristics and Motivation in Rural High Schools. *Journal of Research in Rural Education*, 24(16):1-19.
- Ladd, H. F., & Sorensen, L. C. (2017). Returns to teacher experience: Student achievement and motivation in middle school, *Education Finance and Policy*.
- Legault, L., Green-Demers, I & Pelletier, L (2006). Why Do High School Students Lack Motivation in the Classroom? Toward an Understanding of Academic Amotivation and the Role of Social Support. *Journal of Educational Psychology*, 93(3): 567-583.
- Miller. R.B and Brickman. S.J(2004). A Model of Future-Oriented Motivation and Self-Regulation. *Educational Psychology Review*, 16(1): 9- 33.
- Miltiyado. M (2013). Origins and Pawns in the Classroom: Self-report and Projective Assasinsates of Individual Differences in Cildren's Perception. *Journal of Personality and Social Psychology*. 50(3):550-558.
- Schunk, D., Pintrich, P. R., & Meece, J. L. (2008). *Motivation in education: Theory, research and applications*(3rd ed.). Upper Saddle River: Pearson.
- Tran. N. T (2013). Factors associated with low educational motivation among ethnic minority students in Vietnam. *Journal of Asia Pacific Studies*, 12(4): 123-136.
- Wang, M. T., & Eccles, J. S. (2012). Social support matters: Longitudinal effects of social support on three dimensions of school engagement from middle to high school. *Child development*, 83(3): 877-895.
- Wentzel, K. R. & Wigfield, A. 2009. Introduction. In K. R. Wentzel & A.

- Wigfield (Ed.), *Handbook of motivation at school* (pp. 1-8). New York and London: Routledge.
- Williams, K. C. & Williams, C. C. (2011). Five key ingredients for improving student motivation. *Research in Higher Education Journal*, 12, 1.
- Wormington, S. V., Corpus, J. H. & Anderson, K. G. (2012). A person-centered investigation of academic motivation and its correlates in high school. *Learning and Individual Differences*, 22(4): 429-438.
- Wentzel, K. R. & Muenks, K. (2016). Peer influence on students' motivation, academic achievement, and social behavior. *Handbook of Social Influences in School Contexts: Social-Emotional, Motivation, and Cognitive Outcomes*, 13-30.



The Role of Social and Educational Factors on High School Students' Motivation

Farhad Seraji¹

Associate professor, Faculty of Education, Bu Ali Sina University,
Hamedan, Iran

Sirous Heidary

MA in Curriculam Studies, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran

Ali Enayatifar Novin

PhD student of Curriculum Studies, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran

Abstract

The aim of this study was to identify the social and educational factors which reduce academic motivation of secondary school students. Theoretical foundation of this research was miller and Brickman's (2004) model of motivation. The population included all secondary school male students, out of which 384 students were selected from three educational regions using stratified random sampling. A researcher-made questionnaire was used to collect the data and its validity was confirmed using experts' views. The reliability of the instruments after a pilot study among 60 high school students was calculated as 0.87. Exploratory and confirmatory analysis of the data showed a total of nine factors as the causes of low motivation in students. The factors were family and its related problems, knowledge and science position in society, unemployment of educated people, no practically learned knowledge, weakness of teachers, low quality curriculum, structure and laws of schools, weakness of school administration, and development and access to new communication technologies. Totally, impersonal factors leading to reduction in motivation

1. fseraji@gmail.com

DOI: 10.22051/jontoe.2017.10113.1292

Reseived: 2016-06-02

Accepted: 2017-09-17

explained 45.72 percent of variance. Also indicators such as IFI, NFI, AGFI, GFI, RMSEA and CFI confirmed the model fit.

Keywords: Academic motivation, Self-regulation, Social factors, Educational factors, Secondary school.

